

# بحران مالی جهان و تأثیر آن بر اقتصاد ایران

دکتر محمد لشکری\*

## چکیده:

بحران به معنی عدم تعادل در عرضه و تقاضای کل اقتصاد است. اگر عرضه از تقاضا بیشتر باشد بحران رکودی و اگر تقاضا بیشتر از عرضه باشد بحران تورمی خواهد بود. بعد از بحران رکودی سال ۱۹۲۹ تا ۱۹۳۲ و انجام پیشنهادات کینز و بهبود اوضاع اقتصادی کشورهای سرمایه‌داری، اغلب کشورها در دهه ۱۹۷۰ پدیده جدیدی به نام تورم رکودی را تجربه کردند. بحران کنونی بازارهای مالی و اعتباری ایالات متحده آمریکا و اروپا موجب نگرانی تمام اندیشمندان و متفکران اقتصادی جهان شده است زیرا با بحران‌های قبلی متفاوت است. هر کشوری که بیشتر در اقتصاد جهانی ادغام شده است از بحران لطمه بیشتری می‌خورد. به علت عدم عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی و تحریم‌های متعدد غرب علیه جمهوری اسلامی ایران، کشور ما از بحران کمتر صدمه خواهد دید.

بر اساس آخرین تحقیقات صندوق بین‌المللی پول طی ۳۰ سال گذشته در ۱۷ کشور صنعتی دنیا ۱۱۳ مورد بحران مالی رخ داده که نیمی از آنها به رکود اقتصاد جهانی کمک کرده‌اند.

بحران اخیر مالی جهان کاهش حجم تجارت جهانی و افت شدید رشد اقتصادی برخی از قطب‌های مهم تجاری بویژه اقتصادهای نوظهور را به دنبال خواهد داشت.

بحران اخیر از سیستم بانکی آمریکا آغاز شد بدهکاران و وام‌گیرندگان به علت کاهش قیمت دارایی‌های خود از جمله مسکن از بازپرداخت وام خود سر باز زدند و بانک‌ها قادر به جذب سپرده لازم برای مقابله با کمبود نقدینگی خود نشدند لذا اعتماد مردم از سیستم بانکی سلب شد. علت اصلی بحران اخیر مدیریت نادرست منابع بانکی و عدم نظارت صحیح بر تسهیلات در آمریکا است.

بحران مالی فعلی در اقتصاد کشورها اثرات متفاوتی دارد و کشورهایی که روند ادغام آنها در اقتصاد جهانی به کندی صورت گرفته از آسیب کمتری برخوردار خواهند بود.

جمهوری اسلامی ایران عضو سازمان تجارت جهانی نیست لذا ملزم به رعایت مقررات این سازمان نخواهد بود بنابراین نسبت به اعضای این سازمان آسیب کمتری خواهد دید.

در مقاله حاضر که به روش توصیفی تهیه شده است ابتدا علت ایجاد بحران مورد بررسی قرار می‌گیرد. سپس تأثیر آن بر اقتصاد ایران تحلیل می‌شود و راه‌حل‌های مناسب برای مقابله با آن پیشنهاد می‌شود.

## ۱. مقدمه

بعدی عمده‌ترین پی آمدهای منفی بحران اخیر بررسی می‌شود. تأثیر بحران بر اقتصاد ایران بخش بعدی مقاله را تشکیل می‌دهد. پس از آن تأثیر بحران بر سایر کشورها مورد بررسی قرار می‌گیرد. سایر پیامدهای منفی بحران در بخش بعد می‌آید. سپس عمده‌ترین راههای مقابله کشورها با آسیبهای ناشی از بحران مالی جهان مورد بررسی قرار می‌گیرد. کاهش زیانهای ناشی از بحران در بخش بعد می‌آید. سپس راهکارهای مختص اقتصاد ایران برای مقابله با بحران پیشنهاد می‌شود. در پایان خلاصه و نتیجه بحث ذکر می‌شود.

## ۲. علت ایجاد بحران

برای اینکه علت بحران مالی غرب را بشناسیم باید ابتدا نظام اقتصادی غرب را بشناسیم. آدام اسمیت که به پدر علم اقتصاد و بنیان‌گذار مکتب کلاسیک شهرت دارد در کتاب «تحقیق درباره طبیعت و علل ثروت ملل» سال ۱۷۷۶ نظریه کاپیتالیزم را ارائه و تأکید می‌کند که «نفع شخصی در شرایط رقابت باعث ثروتمند شدن جامعه (افزایش تولید) می‌شود. یعنی نفع شخصی در شرایط رقابت به نفع اجتماعی تبدیل می‌شود.»

این نظریه دو آکسیوم (اصل بدیهی) مهم به دنبال دارد:

۱. اصل بدیهی رفتاری: انسان در رفتارهای خود (در خرید و فروش و بازار) به دنبال نفع شخصی است.
۲. اصل بدیهی محیط: شرایط رقابت کامل بر بازار حاکم است.

آدام اسمیت معتقد است یک دست نامرئی وجود دارد که بازار را به تعادل می‌رساند و اگر نیروهای عرضه و تقاضا به حال خود گذاشته شود خود به خود شرایط تعادلی بر بازار حاکم خواهد شد (لشکری، ۱۳۸۶: ۵۳).

### ۲. ۱. پیش‌بینی بحران در نظام سرمایه‌داری

کارل مارکس فیلسوف، جامعه‌شناس، مورخ و

بحران به معنی عدم تعادل در عرضه و تقاضای کل اقتصاد است. اگر عرضه از تقاضا بیشتر باشد بحران رکودی و اگر تقاضا بیشتر از عرضه باشد بحران تورمی خواهد بود. بعد از بحران رکودی سال ۱۹۲۹ تا ۱۹۳۲ و انجام پیشنهادات کینز و بهبود اوضاع اقتصادی کشورهای سرمایه‌داری، اغلب کشورها در دهه ۱۹۷۰ پدیده جدیدی به نام تورم رکودی را تجربه کردند.

بحران کنونی بازارهای مالی و اعتباری ایالات متحده آمریکا و اروپا موجب نگرانی تمام اندیشمندان و متفکران اقتصادی جهان شده است. هرگونه بحرانی عدم تعادل‌های اقتصادی، اجتماعی و روانی جوامع را تشدید می‌کند و به علت تیره شدن اوضاع، هرگونه پیش‌بینی را مبهم ساخته و تصمیم‌گیری‌های صحیح را به تأخیر می‌اندازد. در شرایط کنونی جهان که تمام کشورها با یکدیگر مبادله دارند و بخش زیادی از تولید ناخالص آنها ناشی از تجارت بین‌المللی است بحران مالی غرب خواه ناخواه بر اقتصاد تمام کشورها از جمله کشور ما تأثیر می‌گذارد. هر کشوری که بیشتر در اقتصاد جهانی ادغام شده است از بحران لطمه بیشتری می‌خورد. به علت عدم عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی و تحریم‌های متعدد غرب علیه جمهوری اسلامی ایران، کشور ما از بحران کمتر صدمه خواهد دید. متذکر می‌شوم این امر دلیلی بر دوراندیشی مسئولان کشور نیست. بلکه از زمانی که گات و سازمان تجارت جهانی شکل گرفتند در کشور ما کار گروهی در وزارت بازرگانی ایجاد شد و تمام تلاش این کار گروه پیوستن به گات و پس از آن پیوستن به سازمان تجارت جهانی بود.

در مقاله حاضر که به روش توصیفی تهیه شده است ابتدا علت ایجاد بحران مورد بررسی قرار می‌گیرد. سپس نحوه ایجاد بحران اخیر تحلیل می‌شود. در بخش

در حال حاضر ما با نظام سرمایه‌داری اصلاح شده توسط کینز مواجه هستیم. بحران ۱۹۲۹ تا ۱۹۳۲ بحران رکودی بود و کینز برای برون رفت از آن دخالت دولت و افزایش مخارج دولت را پیشنهاد کرد. این پیشنهاد تا حدی بحران را کاهش داد. پس از کینز اغلب کشورها با بحرانی جدید به صورت رکود تورمی مواجه شدند که دیگر راه حل کینز راه‌گشا نبود. بحران جدید غرب با بحرانهایی قبلی کاملاً متفاوت بوده و قطعاً راه حل جدیدی را می‌طلبد. البته نظام سرمایه‌داری در درون خود بحران ایجاد می‌کند، مسئولان چنین نظامی ممکن است زمان بحران را به تأخیر بیندازند ولی جلو آنرا نمی‌توانند بگیرند.

بررسی‌های انجام شده توسط آنکتاد در مورد ۲۲۶ شرکت مهم سرمایه‌گذاری بین‌المللی در سال ۲۰۰۸ نشان می‌دهد که تمام این شرکتها حجم فعالیت‌های برون مرزی خود را کاهش داده‌اند و میزان سرمایه‌گذاری‌های این شرکتها برای خرید مؤسسات یا ادغام در آنها در نیمه اول سال ۲۰۰۸ حدود ۲۹ درصد کاهش یافته است (تهران، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۸۷/۸/۱۰).

بحران مالی اخیر میزان تقاضا برای خرید کالا در اغلب کشورها را کاهش داده و از آنجا که ۷۴ درصد تولید ناخالص داخلی دنیا به کشورهای عضو OECD تعلق دارد کاهش تقاضا در این کشورها بویژه پایین آمدن تقاضا برای مواد اولیه (فلزات اساسی، انرژی) علاوه بر کاهش قیمت جهانی این کالاها، زمینه‌کننده شدن رشد تجارت جهانی را فراهم می‌کند.

در سال ۲۰۰۷ میلادی، ارزش کل تولید ناخالص داخلی این کشورها افزون بر ۴۰/۶ تریلیون دلار و ارزش تولید ناخالص دنیا ۵۴/۶ تریلیون دلار بوده است.

### ۳.۲ صد و سیزده بحران مالی طی ۳۰ سال

بر اساس آخرین تحقیقات صندوق بین‌المللی پول

اقتصاددان قرن نوزدهم میلادی و بزرگترین منتقد نظام سرمایه‌داری و بنیان‌گذار مکتب سوسیالیسم علمی در کتاب مشهور سرمایه (Capital) که در سال ۱۸۶۷ منتشر شد نظام سرمایه‌داری را محکوم به شکست می‌دانست. وی امیدی به اصلاح نظام سرمایه‌داری نداشت. مارکس اولین کسی بود که معایب سیستم اقتصاد آزاد را ذکر کرد. به نظر وی نظام سرمایه‌داری در درون خود عمدتاً کارگران غیرماهری را پرورش می‌دهد که با حداقل دستمزد امرار معاش می‌کنند. نفع طلبی طبقه سرمایه‌دار توسعه ظرفیت صنعتی را به دنبال دارد و رقابت شکننده‌ای را ایجاد می‌کند. تضاد از آنجا حاصل می‌شود که قدرت خرید طبقه کارگر برای خرید کالاهای تولید شده کافی نخواهد بود. همزمان با تضاد موجود آگاهی طبقه کارگر افزایش می‌یابد و همراه با بحران فزاینده بیکاری شرایط انتقال مالکیت به دولت فراهم می‌شود (لشکری، ۱۳۸۶: ۹۵). به هر دو نظریه انتقاداتی وارد است، اهمیت نظریه مارکس در این است که بحران را ویژگی ذاتی نظام سرمایه‌داری می‌داند و معتقد است که نظام سرمایه‌داری دائماً دچار بحران رکودی یا تورمی خواهد شد.

### ۲.۲ بحران رکودی ۱۹۲۹ تا ۱۹۳۲

پیش‌بینی مارکس در مورد بحران نظام سرمایه‌داری در سال ۱۹۲۹ میلادی تحقق یافت و تا سال ۱۹۳۲ ادامه یافت و در سال ۱۹۳۶ جان مینارد کینز در کتاب خود با عنوان نظریه «عمومی، اشتغال، بهره و پول» برای خروج از بحران راه‌های جدیدی را مطرح کرد. بین آدام اسمیت، مارکس و کینز اقتصاددانان زیادی وجود دارند ولی این سه تن هر کدام يك انقلاب در دیدگاه‌های قبلی ایجاد کرده‌اند. به‌طور خلاصه می‌توان گفت:

۱. آدام اسمیت نظام سرمایه‌داری را طراحی کرد.
۲. کارل مارکس نظام سرمایه‌داری را نقد کرد.
۳. جان مینارد کینز نظام سرمایه‌داری را اصلاح کرد.

طی ۳۰ سال گذشته در ۱۷ کشور صنعتی دنیا ۱۱۳ مورد بحران مالی رخ داده که نیمی از آنها به رگود اقتصاد جهانی کمک کرده‌اند (تهران، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۸۷/۸/۱۰).

در قرن ۱۹ و ۲۰ اغلب بحرانهای مالی از عملکرد نظام بانکی آغاز شده‌اند بحرانی که اقتصاد جهانی با آن مواجه شده، ابتدا در آمریکا آغاز شد و اصلی‌ترین عامل آن می‌توان بی‌اعتمادی سرمایه‌گذاران و صاحبان سپرده به سیستم بانکی آمریکا تلقی کرد.

بحران اخیر مالی جهان کاهش حجم تجارت جهانی و اُفت شدید رشد اقتصادی برخی از قطب‌های مهم تجاری بویژه اقتصادهای نوظهور را به دنبال خواهد داشت.

موافقتنامه عمومی تجارت و خدمات (GATS) کشورها را ملزم به بازگشایی بازارهای مالی خود می‌کند. با توجه به تأثیر منفی بحران مالی جهان بر تجارت جهانی، سازمان تجارت جهانی نباید کشورهای در حال توسعه را برای آزادسازی اجباری بازارهای مالی خود تحت فشار قرار دهد و در صورت فشار این سازمان کشورها باید در مقابل آن بایستند.

### ۳. نحوه ایجاد بحران اخیر

بحران اخیر از سیستم بانکی آمریکا آغاز شد بدهکاران و وام‌گیرندگان به علت کاهش قیمت دارایی‌های خود از جمله مسکن از بازپرداخت وام خود سر باز زدند و بانکها قادر به جذب سپرده لازم برای مقابله با کمبود نقدینگی خود نشدند لذا اعتماد مردم از سیستم بانکی سلب شد. در آمریکا هر فردی با پرداخت ۵ درصد از قیمت مسکن می‌تواند با دریافت وام به مبلغ ۹۵ درصد قیمت آن، مسکن خریداری نماید. با کاهش قیمت مسکن افراد از ۵ درصد پرداختی خود صرف‌نظر می‌کنند و مسکن خود را به جای اقساط بانک به بانک واگذار می‌کنند. این امر عرضه مسکن را افزایش و

تقاضای آنرا کاهش داد و بحران تشدید شد.

هنگامی که اخبار مربوط به ضرر و زیان بانکها در اعطای وام به بازار مسکن فاش گردید، سپرده‌گذاران از ترس آنکه مبادا بانک آنها نیز درگیر این ماجرا شده باشد و به دلیل ورشکستگی نتواند سپرده‌های خود را بازگرداند، به بانکها مراجعه کرده تا سپرده‌های خود را برداشت نمایند (اقتصاد ایران، ۱۳۸۷، شماره ۱۱۷، ص ۲۴). در شرایط عادی نیز دارایی‌های جاری بانک کمتر از کل سپرده‌های مردم (بدهی‌های بانک) نزد می‌باشد. به عبارت دیگر، شاخص بدهی به دارایی جاری آنکه نوعی اهرم مالی (Leverage) نامیده می‌شود، بزرگتر از یک است. بدهی است که کاهش ذخایر بانکها (به دلیل سیاست پولی انبساطی فدرال رزرو) و حضور آنها در بازار مسکن باعث افزایش بیش از حد این شاخص اهرم مالی آنها شده بود. به همین دلیل بانکها توان بازپرداخت سپرده‌های مشتریان خود را نداشتند و لذا، ورشکستگی زنجیره‌ای بانکها آغاز گردید. با توجه به ارتباطات بین بانکی، بحران مزبور به سرعت به کل سیستم بانکی کشور سرایت نمود. بسیاری از بانکها توان بازپرداخت وام‌های خود را به بانکهای دیگر نداشتند. در ضمن، هیچ بانکی حاضر به قرض دادن به بانکهای مشکل‌دار نبود، چرا که از بازپرداخت نشدن وام خود هراس داشت.

برای حل بحران ۱۹۲۹ در سال ۱۹۳۲ بین نظام بانکی تجاری (Commercial Banks) و نظام بانکداری سرمایه‌گذاری (Investment Banks) دیواری به وجود آمد و تا سال ۱۹۹۹ این دیوار وجود داشت و موجب می‌شد که ریسکهای بیش از حد سرمایه‌گذاری به نظام سپرده‌گذاری و پرداختها سرایت نکند. در سال ۱۹۹۹ با تصویب قانون یکپارچه‌سازی مالی (Financial Integration) این دیوار برداشته شد و ریسک سرمایه‌گذاری به نظام بانکی تجاری سرایت کرد و بحران کنونی را ایجاد کرد. بنابر این علت اصلی بحران

بیکاران جهان از رقم ۱۹۰ میلیون نفر در سال ۲۰۰۷ به ۲۱۰ میلیون نفر در سال ۲۰۰۹ افزایش خواهد یافت که این رقم در پایان امسال ۲۰۰ میلیون نفر برآورد شده است.

از آنجا که ۱۱ درصد رشد اقتصادی چین به صادرات این کشور بستگی دارد، کاهش حجم تجارت خارجی چین از مؤلفه‌های تشدید بیکاری در این کشور خواهد بود.

بخش عمده‌ای از فرصت‌های شغلی از دست رفته به صنایع ساختمانی، خدمات مالی، دادوستد، املاک و مستغلات و خودرو سازی مربوط خواهد بود.

### ۵. تأثیر بحران بر اقتصاد ایران

بحران مالی فعلی در اقتصاد کشورها اثرات متفاوتی دارد و کشورهایی که روند ادغام آنها در اقتصاد جهانی به کندی صورت گرفته از آسیب کمتری برخوردار خواهند بود.

جمهوری اسلامی ایران عضو سازمان تجارت جهانی نیست لذا ملزم به مقررات این سازمان نخواهد بود بنابراین نسبت به اعضای این سازمان آسیب کمتری خواهد دید.

مدت نسبتاً طولانی قیمت هر بشکه نفت بالای ۱۰۰ دلار بود در این مدت صندوق ذخایر ارزی از اندوخته قابل توجهی برخوردار نشد زیرا دولت از سیاست‌های انبساطی بودجه‌ای و بانکی استفاده کرد و اندوخته صندوق را به شدت کاهش داد. به دلایل متعدد از جمله تحریم‌های یک جانبه و چندجانبه‌ای که به خصوص در سالهای اخیر به واسطه مسایل هسته‌ای بر کشور تحمیل شد ایران از شرایط ایزوله‌ای برخوردار است (اقتصاد ایران، ۱۳۸۷، شماره ۱۱۷، ص ۱۱).

در عین حال به علت وابستگی شدید به صادرات نفت چون هم میزان تقاضا برای نفت کاهش یافته و هم قیمت آن به کمتر از نصف کاهش یافته است. لذا

اخیر مدیریت نادرست منابع بانکی و عدم نظارت صحیح بر تسهیلات در آمریکا است.

### ۴. عمده‌ترین پی‌آمدهای منفی بحران اخیر

بحران اخیر جهان پی‌آمدهای منفی زیادی دارد که عمده‌ترین آنها عبارتند از:

۱. سقوط شدید ارزش سهام در بازارهای بین‌المللی
۲. کاهش نرخ رشد اقتصادی جهان
۳. گسترش بیکاری در سطح بین‌المللی
۴. کاهش سرمایه‌گذاری‌های خارجی
۵. کاهش ذخایر ارزی بین‌المللی
۶. افزایش نرخ تورم در کشورهایی که تراز بازرگانی آنها نامتعادل است.

چون بقیه عوامل ناشی از کاهش سرمایه‌گذاری است در ذیل به بحث کاهش سرمایه‌گذاری‌های خارجی اشاره می‌کنیم. براساس آخرین گزارش کنفرانس توسعه و تجارت سازمان ملل، در سال ۲۰۰۸ میلادی میزان سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی حدود ۱۰ درصد نسبت به سال ۲۰۰۷ یعنی نزدیک به ۱۸۰ میلیارد دلار کاهش یافت. در سال ۲۰۰۷ میلادی ارزش کل سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی در دنیا هزار و ۸۳۳ میلیارد دلار بود.

براساس پیش‌بینی صندوق بین‌المللی پول رشد اقتصادی کشورهای پیشرفته در سال ۲۰۰۸ معادل ۱/۵ درصد و در سال ۲۰۰۹ حدود نیم درصد خواهد بود. براساس این پیش‌بینی رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه از هشت درصد در سال ۲۰۰۷ به ۶/۹ درصد در سال جاری تقلیل می‌یابد و در سال ۲۰۰۹ به ۶/۱ درصد خواهد رسید.

براساس گزارش سازمان بین‌المللی کار در نتیجه بحران مالی تا پایان سال ۲۰۰۹ میلادی افزون بر ۲۰ میلیون فرصت شغلی از دست خواهد رفت و تعداد



در هر حال اقتصاد ایران تحت تأثیر بحران قرار خواهد گرفت. آثار احتمالی بحران بر اقتصاد ایران عبارتند از:

۱. کاهش صادرات نفت
  ۲. کاهش قیمت نفت به زیر ۳۵ دلار
  ۳. کاهش ذخایر ارزی
  ۴. کاهش قدرت بانک مرکزی برای نشر اسکناس
  ۵. ایجاد موج روانی برای جامعه
  ۶. کسری بودجه دولت
  ۷. عدم بازپرداخت وامهای بلندمدت توسط افرادی که وامهای کلان گرفته و به مراکز قدرت وصل هستند. چون مهمترین پی آمد بحران بر اقتصاد ایران کاهش درآمدهای نفتی است لذا صرفاً به تأثیر منفی بحران مالی جهان بر بازار نفت اشاره می‌کنیم.
- وزیر نفت ایران در آذر ماه ۱۳۸۷ اعلام کرد: تنزل قیمت هر بشکه نفت به زیر ۱۰۰ دلار در هر بشکه مخاطره آمیز است. در حال حاضر قیمت هر بشکه نفت زیر ۴۰ دلار است.
- به عقیده‌ی کارشناسان، تداوم بحران در بازارهای مالی بین‌المللی به کاهش بیشتر بهای نفت می‌انجامد. اقتصاد ایران از چنین کاهش‌ی به شدت آسیب خواهد دید. در همین حال آمارها از کاهش صادرات نفت ایران در سالهای اخیر حکایت دارند. کاهش قیمت نفت همزمان با کاهش صادرات آن درآمدهای نفتی را به شدت کاهش می‌دهد.
- چند ماه قبل از بحران مالی غرب پیش‌بینی شده بود که قیمت هر بشکه نفت، به ۲۰۰ دلار هم برسد. به نظر می‌رسد که روی آوردن دولت به طرح موسوم به «طرح تحول اقتصادی» و نقدی کردن یارانه‌ها نیز براساس این خوش‌بینی تنظیم شده که نفت قیمت نسبتاً بالای خود را حفظ خواهد کرد.
- طرح تحول اقتصادی مطالباتی را در مردم به خصوص قشر محروم جامعه ایجاد کرده که در صورت

درآمدهای نفتی به شدت کاهش می‌یابد و بحران جهانی تأثیر جدی بر بودجه دولت خواهد گذاشت با کاهش بودجه دولت فعالیت‌های اقتصادی خصوصاً در بخش عمرانی کاهش خواهد یافت اثر این کاهش هم‌بیکاری فزاینده و هم تورم ناشی از فشار هزینه خواهد بود. با توجه به دوری اقتصاد ایران از مناسبات جهانی می‌توانیم اثبات کنیم که نسبت به سایر کشورها از ثبات اقتصادی بیشتری برخورداریم. این امر موجب ایجاد امنیت برای سرمایه‌گذارانی می‌شود که می‌خواهند سرمایه خود را از کشورهای بحران زده خارج کنند و ما می‌توانیم سرمایه‌های زیادی را جذب نماییم. با کاهش درآمدهای نفتی واردات نیز کاهش می‌یابد و این امر نیز تورم ناشی از فشار هزینه (طرف عرضه) را موجب خواهد شد.

با تداوم کاهش روند کاهش قیمت نفت تا پایان سال ۱۳۸۷، درآمدهای ارزی کشور ۵۴ میلیارد دلار کاهش یافته است (بهمنی، ۱۳۸۷: ۹). برای نجات از بحرانهای مقطعی بهمنی پیشنهاد می‌کند حجم و تنوع صادرات غیرنفتی افزایش یابد زیرا وابستگی به نفت کشور را آسیب‌پذیر می‌کند.

باید توجه نمود که بحران مقطعی راه‌حل فوری لازم دارد و افزایش حجم و تنوع صادرات فوراً امکان‌پذیر نیست. انضباط پولی و مالی است که در کوتاه‌مدت می‌تواند تا حدی بحران را کاهش دهد. راه‌حل بهمنی سالهاست که شعار تمام دولتها از ابتدای انقلاب اسلامی تاکنون بوده است. این راه‌حل نیاز به اعتقاد تمام بخشهای اقتصادی کشور و عزم ملی دارد. در عمل دولتها برای حل مشکلات خود از آسانترین راه استفاده می‌کنند و اتکای آنها بیشتر بر منابع ارزی حاصل از صادرات نفت و گاز است. عمده صادرات غیرنفتی راهم مواد خام و اولیه تشکیل می‌دهد که به لحاظ اقتصادی چون ارزش افزوده آنرا خارجیان می‌برند با صادرات نفت و گاز تفاوت معنی‌داری ندارد.

۱.۵ آثار احتمالی بحران بر اقتصاد ایران

ظرفیت صادرات این ماده‌ی سوختی را کاهش داده است.

تاکنون تنها نتیجه منفی بحران مالی برای ایران این بوده که بهای نفت خام، پس از چند ماه افزایش سریع آن در بازارهای بین‌المللی، در هفته‌های اخیر تا حد زیادی کاهش یافته است.

## ۶. تأثیر بحران بر بخش پولی و مالی ایران

در شرایط کنونی، مصون ماندن اقتصاد ایران از آثار بحران جهانی غیر عادی نیست زیرا اقتصاد ایران به استثنای صادرات نفت و واردات کالا، که معمولاً با حداقل بهره‌برداری از امکانات نهادهای مالی بین‌المللی صورت می‌گیرد، ارتباط چندانی با اقتصاد جهانی ندارد و در نتیجه، به فوریت تحت تأثیر تحولات آن قرار نمی‌گیرد.

بخش پولی و مالی ایران هم عمدتاً از یک بازار بورس تک محصولی و بانکهای دولتی، در کنار بخش زیرزمینی فعال در اموری مانند وامهای غیر رسمی با بهره‌های کلان تشکیل یافته، که در مجموع، با اتکا به عواید نفتی و ارتزاق از تورم به حیات خود ادامه می‌دهد. بنابراین بسیاری از عوامل مالی و روانی تأثیرگذار بر بازارهای مالی جهان در ایران موضوعیت ندارد.

درواقع، نهادهای پولی و مالی رسمی ایران تحت تسلط کامل دولت قرار دارد که آنها را بر اساس توقعات سیاسی خود اداره می‌کند و اصول رقابت آزاد، که تنظیم‌کننده بازارهای مالی و پولی پیشرفته است، در آن مراعات نمی‌شود.

بسیاری از عوارض بحرانهای مالی و اقتصادی که از نظر کشورهای پیشرفته غیر قابل قبول محسوب می‌شود، در ایران جنبه متعارف یافته و برای مسئولان امر و حتی مردم عادی نگران‌کننده نیست و برخی از تریبات و سیاستهای اقتصادی متعارف در ایران در اکثر کشورهای دیگر غیر قابل قبول و حتی بحران‌زادانسته

تداوم کاهش قیمت نفت این مطالبات پاسخ داده نخواهد شد. به همین دلیل اجرای طرح با تأخیر مواجه شد. مسئولان اقتصادی باید با کمال صداقت بگویند طرح را با قیمت هر بشکه نفت ۱۰۰ دلار یا بیشتر تنظیم کرده و ۳۵ دلار قابل اجرا نیست.

۶۰ درصد درآمدهای دولت ایران از راه فروش نفت تأمین می‌شود. درآمدهای مالیاتی و گمرکی و نظایر آن نیز مستقیم و غیر مستقیم به فعالیتهای شرکتها و صنایع وابسته است. همچنین بنگاههای اقتصادی نیز کلیه واردات مواد اولیه، تجهیزات، قطعات یدکی و ماشین‌آلات و سایر نیازهای وارداتی خود را با دلارهای حاصل از فروش نفت انجام می‌دهند. لذا تقریباً تمامی متغیرهای اقتصادی کشور به نوعی وابسته به درآمد نفت و قیمت آن می‌باشند.

گزارش تحقیقی اخیر مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی با اشاره به همین واقعیت، می‌گوید که اگر قیمت نفت خام ایران به زیر ۸۰ دلار افت بکند، دولت دچار کسری بودجه می‌شود.

## ۲.۵ تأثیر بحران بر صادرات و درآمدهای نفتی ایران

آمارهای جدید بانک مرکزی ایران حاکی از آن است که در دوران دولت احمدی نژاد میزان صادرات نفت ایران روزی ۲۹۶ هزار بشکه نسبت به سال ۱۳۸۴ کاهش یافته است.

کارشناسان صنعت نفت معتقدند به دلیل مصرف داخلی فرآورده‌های نفتی، از سال ۸۴ آهنگ صادرات نفت روند کاهشی به خود گرفته و در سال ۸۷ افزایش مصرف داخلی فرآورده‌های نفتی عامل عمده کاهش صادرات نفت بوده است.

به عقیده برخی صاحب‌نظران اقتصادی، از آنجا که سیاست تثبیت قیمت‌ها در مجالس هفتم و هشتم به افزایش مصرف داخلی برخی فرآورده‌های نفتی و بالا رفتن تقاضا برای نفت در داخل کشور انجامیده و

می شود.

براین اساس کشورهای در حال توسعه‌ای که به سبب بحرانهای مالی دچار مشکل می‌شوند باید مورد حمایت بین‌المللی قرار گیرند و پرداخت بدهیهای خارجی آنها برای یک دوره زمانی معین به حالت تعلیق درآید.

۴. ایجاد یک سیستم نظارتی جامع در سطح بین‌المللی برای نظارت بر ورود و خروج ناگهانی سرمایه‌ها از یک کشور به کشور دیگر بویژه در مواردی که این نقل و اتصالات حالت بورس‌بازی دارد.

۵. در شرایطی که نظام پولی بین‌المللی از ثبات کافی برخوردار نیست به کشورهای در حال توسعه باید اجازه داد به منظور حفظ ارزش پول ملی خود تدابیر لازم را اتخاذ کنند، اگرچه این تدابیر با تعهدات بین‌المللی آنها مغایرت داشته باشد.

### ۱۰. کاهش زیانهای ناشی از بحران

از طریق گسترش همکاریهای تجاری و پولی در چارچوب موافقتنامه‌های منطقه‌ای و پیمانهای اقتصادی، احتیاط در پیوستن به بازارهای مالی بین‌المللی و منطقه‌ای (شتاب نکردن در بین‌المللی شدن بورس‌های اوراق بهادار) می‌تواند زیانهای بین‌المللی را به حداقل برساند.

ایجاد مراکزی برای مطالعه همه‌جانبه بحرانهای مالی سه دهه اخیر و پیامدهای آنها از جمله راهکارهایی است که می‌تواند آسیب‌پذیری اقتصاد کشورهای در حال توسعه را از زیان بحرانهای بین‌المللی به حداقل برساند.

### ۱۱. راه کارهای مختص اقتصاد ایران

اقتصاد ایران شرایط متفاوتی با سایر کشورها برای مواجهه با بحران اخیر دارد، راه کارهای زیر می‌تواند اقتصاد ایران را از آثار منفی بحران مصون بدارد و یا آثار بحران را به حداقل ممکن کاهش دهد:

۱. نظارت بر سیستم بانکی به طور جدی و بدون در نظر گرفتن ارتباط با مراکز قدرت

### ۷. تأثیر بحران بر سایر کشورها

هرچه کشورهای در اقتصاد جهانی بیشتر ادغام شده باشند تأثیر منفی بحران بر آنها بیشتر است. کشورهای در حال توسعه‌ای مانند برزیل، مکزیک و آرژانتین که اقتصاد آنها به اقتصاد آمریکا وابستگی شدید دارد از بحران مالی فعلی تأثیر پذیری بیشتری خواهند داشت.

### ۸. سایر پیامدهای منفی بحران

بحران آثار منفی زیادی بر اقتصاد جهان دارد برخی دیگر از آثار منفی بحران بر کشورهای کمتر توسعه یافته عبارتند از:

۱. کاهش میزان کمکهای کشورهای توسعه یافته به کشورهای کم‌رشد و فقیر

۲. کاهش اعتبارات اغلب کشورها که صرف اجرای پروژه‌های زیربنایی می‌شود.

۳. افزایش نرخ تورم در کشورهایی که تراز بازرگانی آنها نامتعادل است.

### ۹. عمده‌ترین راههای مقابله کشورها با

### آسیب‌های ناشی از بحران مالی جهان

برای هر مسأله‌ای راه‌حل وجود دارد. بحران مالی و اعتباری کنونی با دریافت و مدیریت صحیح قابل حل است. عمده‌ترین راه‌حل‌های مقابله با آثار منفی بحران به شرح ذیل است:

۱. کاهش وابستگی به صادرات مواد خام نظیر نفت و کالاهایی که به شدت از نوسانات بین‌المللی تأثیر می‌پذیرند.

۲. کاهش اتکا به قطب‌های بزرگ تجاری

۳. براساس پیشنهادهاى ارایه شده صندوق بین‌المللی پول باید الزام مربوط به قابلیت تبدیل حساب سرمایه برای کشورهای در حال توسعه حذف شود.



بانکی تجاری (Commercial Banks) و نظام بانکداری سرمایه‌گذاری (Investment Banks) دیواری به وجود آمد و تا سال ۱۹۹۹ این دیوار وجود داشت و موجب می‌شد که ریسک‌های بیش از حد سرمایه‌گذاری به نظام سپرده‌گذاری و پرداخت‌ها سرایت نکند. در سال ۱۹۹۹ با تصویب قانون یکپارچه‌سازی مالی (Financial Integration) این دیوار برداشته شد و ریسک سرمایه‌گذاری به نظام بانکی تجاری سرایت کرد و بحران کنونی را ایجاد کرد. بنابراین علت اصلی بحران اخیر مدیریت نادرست منابع بانکی و عدم نظارت صحیح بر تسهیلات در آمریکا است. بحران مالی فعلی در اقتصاد کشورها اثرات متفاوتی دارد و کشورهایی که روند ادغام آنها در اقتصاد جهانی به‌کندی صورت گرفته از آسیب کمتری برخوردار خواهند بود. جمهوری اسلامی ایران عضو سازمان تجارت جهانی نیست لذا ملزم به مقررات این سازمان نخواهد بود بنابراین نسبت به اعضای این سازمان آسیب کمتری خواهد دید.

در هر حال اقتصاد ایران تحت تأثیر بحران قرار خواهد گرفت. آثار احتمالی بحران بر اقتصاد ایران عبارتند از:

۱. کاهش صادرات نفت
  ۲. کاهش قیمت نفت به زیر ۳۵ دلار
  ۳. کاهش ذخایر ارزی
  ۴. کاهش قدرت بانک مرکزی برای نشر اسکناس
  ۵. ایجاد موج روانی برای جامعه
  ۶. کسری بودجه دولت
  ۷. عدم بازپرداخت وام‌های بلندمدت توسط افرادی که وام‌های کلان گرفته و به مراکز قدرت وصل هستند.
- اقتصاد ایران شرایط متفاوتی با سایر کشورها برای مواجهه با بحران اخیر دارد راه کارهای زیر می‌تواند اقتصاد ایران را از آثار منفی بحران مصون بدارد و یا آثار بحران را به حداقل ممکن کاهش دهد:
۱. نظارت بر سیستم بانکی به‌طور جدی و بدون

۲. جداسازی نظام اوراق بهادار از نظام بانکی
۳. جداسازی نظام سرمایه‌داری و سرمایه‌گذاری در بورس از نظام بانکی
۴. ساماندهی نظام مالی شامل بیمه‌ها، سرمایه‌گذارهای تأمین اجتماعی و صندوق‌های مختلف بازنشستگی
۵. کنترل ذخایر ارزی کشور برای روزهای بسیار سخت
۶. استفاده از سیاست پولی و مالی انبساطی متناسب با میزان رکود ناشی از بحران
۷. کمک دولت به بخش خصوصی برای کاهش ریسک سرمایه‌گذاری
۸. به تعویق انداختن اقساط وام تولیدکنندگان و کارآفرینان

## ۱۲. خلاصه و نتیجه‌گیری

بحران به معنی عدم تعادل در عرضه و تقاضای کل اقتصاد است. بحران اخیر مالی جهان کاهش حجم تجارت جهانی و افت شدید رشد اقتصادی برخی از قطب‌های مهم تجاری بویژه اقتصادهای نوظهور را به دنبال خواهد داشت.

بحران اخیر از سیستم بانکی آمریکا آغاز شد بدهکاران و وام‌گیرندگان به علت کاهش قیمت دارایی‌های خود از جمله مسکن از بازپرداخت وام خود سرباز زدند و بانکها قادر به جذب سپرده لازم برای مقابله با کمبود نقدینگی خود نشدند لذا اعتماد مردم از سیستم بانکی سلب شد. علت اصلی بحران اخیر مدیریت نادرست منابع بانکی و عدم نظارت صحیح بر تسهیلات در آمریکا است. بحران مالی فعلی در اقتصاد کشورها اثرات متفاوتی دارد و کشورهایی که روند ادغام آنها در اقتصاد جهانی به‌کندی صورت گرفته از آسیب کمتری برخوردار خواهند بود.

برای حل بحران ۱۹۲۹ در سال ۱۹۳۲ بین نظام

در نظر گرفتن ارتباط با مراکز قدرت

۲. جداسازی نظام اوراق بهادار از نظام بانکی

۳. جداسازی نظام سرمایه‌داری و سرمایه‌گذاری در

بورس از نظام بانکی

۴. ساماندهی نظام مالی شامل بیمه‌ها،

سرمایه‌گذارهای تأمین اجتماعی و صندوقهای مختلف

بازنشستگی

۵. کنترل ذخایر ارزی کشور برای روزهای بسیار

سخت

۶. استفاده از سیاست پولی و مالی انبساطی متناسب

با میزان رکود ناشی از بحران

۷. کمک دولت به بخش خصوصی برای کاهش

ریسک سرمایه‌گذاری

۸. به تعویق انداختن اقساط وام تولیدکنندگان و

کارآفرینان

بحران مالی غرب خواه ناخواه بر تمام جهان و ایران

تأثیر می‌گذارد ما به جای خوشبینی و ذهن‌گرایی باید از

فرصتهای پیش آمده نهایت استفاده را ببریم و با درایت

جلو تهدیدها را بگیریم. دولت باید انضباط پولی و مالی

داشته باشد و این امر نهادینه و قانونمند شود.

## فهرست منابع و مآخذ

۱. بهمنی، محمود (۱۳۸۷)، کاهش درآمدهای نفتی، مجله

اقتصاد ایران، شماره ۱۱۷ ص ۹.

۲. تهران، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۸۷/۸/۱۰

۳. گزارشهای بانک جهانی (۲۰۰۷ و ۲۰۰۸)

۴. گزارشهای مختلف بانک مرکزی ج.ا.ا.

۵. گزارشهای صندوق بین‌المللی پول (۲۰۰۷ و ۲۰۰۸)

۶. لشکری، محمد (۱۳۸۶): توسعه اقتصادی و برنامه‌ریزی؛

ویرایش دوم، انتشارات کنکاش دانش.

۷. مارکس، کارل (۱۳۸۳)، فقر فلسفه، ترجمه مارتین آراکل،

انتشارات اهورا.

۸. مارکس، کارل (۱۳۸۲)، «نابرابری به مثابه بازتاب مالکیت

خصوصی بر رابطه اجتماعی»، توسعه و نابرابری، نوشته

محمدجواد زاهدی، انتشارات دانشگاه پیام نور،

صص ۱۹۲-۱۹۹.

۹. مارکس، کارل (۱۳۸۴)، کارمزدی و سرمایه‌ارزش قیمت و

سود، ترجمه میرجواد سید حسینی و نفیسه نمیدیان‌پور،

انتشارات لحظه.

۱۰. مارکس، کارل (۱۳۸۳) سرمایه، ترجمه ایرج اسکندری،

۳ جلد، انتشارات فردوس.

۱۱. مجله اقتصاد ایران شماره‌های مختلف (۱۱۷، ۱۱۸،

و ۱۱۹)